

خاطرات منشی یک مسئول کالابری

با این که هنوز دقیقاً مشخص نیست این جریان کالابری چیست و خود مسئولان هم هر روز یک چیزی می‌گویند، ولی گویا قرار است به همه دهک‌ها داده شود و سخنگوی دولت هم گفته فقط به خانواده‌های ساکن ایران، ماهانه یک میلیون تومان کالابری اختصاص داده می‌شود. یعنی طفلک خارجی‌ها علاوه بر تحمل غم غربت، باید بدون کالابری به زندگی ادامه دهند! در ادامه برای روشن تر شدن چند و چون ماجرا، دفتر خاطرات منشی مخصوص یک مسئول کالابری را با هم ورق می‌زنیم.



ببخشید آجی، این کارت بانکی خدمت شما باشه. دو حلب روغن نباتی هم هست قولش رو به کسی ندادم. به بر و بچه‌های ایرلیند بسپارید آمار خروج ما از کشور رو تابلو نکنن کالابری‌ها بسوزه!

خیال تون راحت دهن ما قرص قرصه!

کارزون، شهرام شیرزادی

افزایش قیمت طبیعی

سه روز از دستور آقای دکتر گذشت و همه سازمان‌ها و مدیرها و معاون‌ها داشتن فکر می‌کردن که کالای چه برگی باید به مردم بدن. بالاخره امروز صبح به این نتیجه رسیدن که به مردم یه پولی بدن تا خودشون برن کالاهای اساسی بخرن. خدا رو شکر به خیر گذشت. فقط نفهمیدیم برگش کجاست؟ تا این خبر رو اعلام کردیم، خبر رسید که قیمت کالاهای اساسی چند برابر شد. فوری جلسه بیرون اومدن و به خبرنگارها گفتن که این افزایش از چند ساعت از جلسه بیرون اومدن و به خبرنگارها گفتن که این افزایش قیمت طبیعی، خیلی شیک و مجلسی و قانع کننده.

محل پولش هم مشخص شد

شنیدم خارجی‌ها شاک می‌شدن که چرا به ما کالابری نمی‌دین؟ می‌گفتن ما که از دل خوش مون نرفتیم خارج، از روی ناچاری بوده، پس برای چی بهمون تعلق نمی‌گیره؟ طفلیا گفتن ما باید غصه دوری از میهن و خانواده رو بخوریم یا غم نگرفتن کالابری رو؟ آقای رئیس گفتن چون روی برگ کالاهای فارسی نوشته، نمی‌شه به خارجیا بدیم. یه عده هم تشکیک کردن که پول این کالابری رو از کجا تهیه می‌کنین؟ از آقای رئیس پرسیدم و ایشان گفتن خب اینم سوال داره؟ آدم پول رو از کجا تهیه می‌کنه؟ از بانک دیگه. خوشبختانه این موضوع هم به خیر گذشت. ولی آخرش نفهمیدیم برگ کالاکجاشه؟

کالابری چیه دیگه؟

دیروز تو جلسه آقای دکتر گفت باید به مردم کالابری بدیم. راستش دیگه از بس اسم این چیزا رو عوض کردن، گیج شدیم که یعنی چی و چی باید به کی بدیم و چه جوریه و چی به چیه. یکی پرسید یعنی همون تکلیف مشق شب بچه‌ها؟ گفتن نه اون کاربرگه. یکی دیگه گفت یعنی باید کالای برگی بدیم؟ با لهجه خودش بهش جواب دادن که نه، اون فرق داره. آقای رئیس گفت صبر کنیم ۲۴ ساعتی بگذره تا شاید نظر آقای دکتر عوض بشه. ۲۴ ساعت گذشت و آقای دکتر گفتن چرا به مردم کالابری ندادین؟ آقای رئیس پرسید خب چی بدیم؟ آقای دکتر گفتن کالابری دیگه. آقای رئیس گفت خدمت آقای دکتر گفتن که خب کالابری چیه؟ آقای دکتر انگار به خودشون اومدن و گفتن ها؟ چیزه دیگه... کالا در برابر برگ... فهمیدیم خودشون هم دقیقاً نمی‌دونن چیه.

همه از یک کنار بگیرن

دارن جزئیات کالابری رو بررسی می‌کنن. این که چقدر باید بدن، به کی باید بدن، به کی ندن، به اونایی که یارانه می‌گرفتن چه جوری بدن و به اونایی که یارانه شون قطع شده چه جوری ندن و... از همه مهم‌تر این که اصلاً پولش رو از کجا بیارن و بدن؟ یک هفته‌ای سرمون با فکر کردن به این جزئیات گرم بود تا این که امروز جزئیاتش رو اعلام کردن. قرار شد به همه دهک‌ها کالابری بدیم به جز اونایی که خارج هستن. یعنی چند ساله دارن دهک‌ها رو تقسیم می‌کنن و زیر و بالای حساب‌ها و زندگی مردم رو می‌گردن تا بهانه گیر بیارن که بهشون یارانه ندن. الان یهو گفتن به همه از یک کنار باید کالابری بدیم.

صفحه ۴
۶ بهمن ۱۴۰۴
شماره ۱۶۱

اندر آداب
معاشرت و مکالمه تلفنی
بسیار
تماس باید!



فرهنگ شهروندی
فرزانه زینلی

بروید سراصل مطلب

وقتی اول تماس پرسید: «الان فرصت داری صحبت کنیم؟» انگار به عمق ماهیت حرف خودتان آگاه نیستید. این پرسش اضافی، امکان انتخاب به مخاطب می‌دهد، در حالی که تماس تلفنی ذاتاً برای سلب اختیار طراحی شده است. شما کار مهمی داشتید که تماس گرفتید دیگر، می‌خواستید بدانید سریال دیشب را دیده و نظرتان درباره آن چیست. پس وقت را تلف نکنید.

کار امروز را به فردا می‌فکن

مهم نیست طرف در ترافیک است، دم مدرسه ایستاده یا منتظر اسنپ. تلفن، تلفن است؛ پاسخ دادن و طیفه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود. اگر امروز تماس نگرفتید و فردا یادتان رفت چی می‌خواستید بگویید، چه؟

احساسات را بی

اگر مخاطبتان پیش شلوغی، ناراحت است دیگر، یک نه... دنیا بی‌رحم زخمی بگوید: «با این جمله باید طو وجدان تولید کند»